صفحات ۹۰-۸۳

مقدمه‌ای بر گرایش به طبیعت در نمونه‌هایی از معماری معاصر ایران*

دکتر خسرو دانشجو**، مهندس سید مجتبی میرحسینی***، دکتر محمدجواد مهدوی‌نژاد****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۰۱ ، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۰۷

چکیده

این تحقیق بر آن اســت که با تحلیل تعدادی از آثار معماری معاصر ایران از منظر طبیعت‌گرایی به الگوهایی دســت یابد و با استفاده از آنها، نحوه برخورد با طبیعت را در تعدادی از آثار معماران معاصر ایران از نظر کمی و کیفی ارزیابی کند. پرسش اصلی در این پژوهش آن اســت که، تجلی طبیعت‌گرایی در معماری معاصر ایران چگونه بوده‌است؟ در فرایند تحقیق از تکنیک‌های توصیفی- تحلیلی اســتفاده شــده و داده‌های مورد نیاز برای شکل‌گیری نظری موضوع با روش کتابخانه‌ای، و تحلیل‌هایی که برای هر اثر آورده‌شــده با روش مطالعات میدانی جمع‌آوری شــده است. فرایند تحقیق و اســتنتاج بر مبنای تحلیل نمونه‌های موردی، که از میان آثار برجســته معماری معاصر ایران انتخاب شده‌اند، اســتوار شده‌است. دستاوردهای پژوهش نشان‌دهنده آن اســت که استفاده از مصالح طبیعی، به‌کارگیری آب در طرح، و بهره‌گیری از فرم‌های طبیعی بیشترین تأثیر را در چگونگی گرایش به طبیعت در معماری معاصر ایران داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی

طبیعت‌گرایی، روش‌های الهام از طبیعت، معماری معاصر ایران.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناســی ارشــد معماری با عنوان «ارائه الگویی برای مصرف بهینه انرژی در فرایند تخریب و بازیافت ســاختمان‌ها» است که به راهنمایی دکتر خسرو دانشجو و مشاوره دکتر محمدجواد مهدوی‌نژاد و با حمایت مالی سازمان بهره‌وری انرژی در دانشگاه تربیت مدرس تهران انجام یافته‌است.

** استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)
Email: khdaneshjoo@modares.ac.ir

*** دانشجوی دکترای تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
Email: m.mirhosseini@modares.ac.ir

**** دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

اهمیت و ضرورت موضوع

انسان در طول حیات خود بر روی کره خاکی، طبیعت را منبع فیضی حیـات بخـش و پر راز و رمز یافته و به قدمـت طول عمرش از آدم تا کنون در پی کشـف همه ابعـاد آن، از جمله تجلی طبیعت در هنر، برآمده‌اسـت. طبیعت همواره یکی از مهم‌ترین منابع الهام انسان در طول تاریخ بوده‌است؛ از اولین آثار هنری به‌جا مانده از انسان بر دیواره غارها گرفته تا به امروز. «ارسطو، فیلسوف دوران باستان، از نخستین افـرادی بود که در مورد طبیعت به عنوان منبع عظیم الهام بخشـی نوشـت. بدون شـک تعدادی از بهترین قطعات موسیقی کلاسیک و بهترین آثار نقاشـی از این طریق خلق شده‌اند» *(تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ۷۵)*. در حوزه معماری نیز «با درک قوانین موجود در طبیعت و کاربرد آنها انسان توانسته‌است سازه‌هایی با کارایی بالا و شکل و تناسباتی ایجاد نمایـد که می‌توان آنها را زیبا نامید» *(همان، ۷۷)*. «همان‌گونه که تمام ادیان طی هزاران سال به بشر آموخته‌اند نه تنها محتوا یا روح تعلیمات الهی مقدس است بلکه صوری که خداوند از طریق آن خود را متجلی کرده‌اسـت نیز قدسی‌اند» *(نصر، ۱۳۸۴، ۳۶۰)*. از این رو طبیعت در هنر اسـلامی به عنوان منبع الهام هنرمندان مطرح شده‌است، الهامی که علاوه بر کالبد، به محتوای طرح‌ها نیز راه یافته‌اند *(مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱)*. در آیاتـی از قرآن کریم نیز از تجلی خداونـد بر عناصر طبیعی چون کوه و درخت سـخن به میان آمده که طبیعت را به عنوان تجلی گاه خداوند و «مقدس» نشان می‌دهد. پس می‌توان گفت که «برای بشر شـناخت طبیعت گونه‌ای خودشناسی است و این سخن مونه[1] که: در زندگی آرزویی جز یکی‌شدن با طبیعت نداشته‌ام، را شاید بتوان تعبیر لطیفی از شـناخت زیبایی‌های طبیعت دانسـت» *(ضرغام، ۱۳۸۷، ۱۰۴)*. بـاغ ایرانی که یکـی از نمودهای بارز طبیعت اسـت، هم در دوران باسـتان و هم بعد از اسـلام مقدس معرفی شده‌است. باغ‌های ایران باستان که با ساختار چهاربخشی شکل‌گرفته‌اند ترجمه‌ای از باورهای مقدس آن زمان (خاک، آب، باد و آتش) می‌باشند *(منصوری، ۱۳۸۸، ۱۷)*. قرآن کریم که خود آیاتی از جلوه‌های جمال خداوند اسـت با تکیه بر تصاویری که انسـان از سرسبزی و خرمی طبیعت دارد، بهشت را در جهان طبیعت توصیف نموده‌است و پس از اسلام معماران مسلمان با عنایت به این توصیف‌ها، باغ‌هایی را در این جهان فناپذیر سـاخته‌اند، که به راستی تمثیلی از بهشـت است که در قرآن توصیف شده‌است *(انصـاری و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۴۰)*. به‌طـور خلاصه می‌توان گفت که «نگاه ایرانی–اسـلامی نیز بـه طبیعت جایگاهـی والا و پراهمیت می‌دهد، هرچند با آسـمانی کردن زمینِ طبیعـت نگاهی انتزاعی به آن را موجب می‌شـود؛ انتزاعی همه‌گیر از بهشت موعود» *(هاشم‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۵)*. از این روسـت که برخی از پژوهشگران آن را به عنوان مبنایی برای تحلیل حکمت معماری اسلامی *(مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳)* دانسته‌اند. از این رو شناسایی مفهوم طبیعت‌گرایی در ساحت معماری و چگونگی گرایش به طبیعـت در نمونه‌هایی از آثار معماری معاصر ایران، مهم‌ترین هدف این پژوهش اسـت. بـرای تحقق این هدف بایسـتی چگونگی الهام از طبیعت و تأثیـر متقابل معماری و طبیعت مـورد تحلیل قرارگرفته، موضوعاتی کـه می‌تواند روش‌های الهام از طبیعـت و طبیعت‌گرایی را در معماری، به‌خصـوص معماری معاصر ایران توضیح دهد، بیان شود.

ساختار تحقیق

سـؤالات تحقیق عبارتنـد از: طبیعت‌گرایی و گرایـش به طبیعت در سـاحت معماری به چه معناسـت؟ و این تفسیر چگونه بر آثار معماری معاصر ایران تأثیر گذاشته‌اسـت؟ به عبارت دیگـر تجلی این معنا در معماری معاصر ایران چگونه بوده‌اسـت؟ با توجـه به موضوع تحقیق سـعی شـد تا نمونه‌های موردی از میان آثار برجسته معماری معاصر ایران در بازه‌های زمانی مختلف تا به امروز که موضوع طبیعت‌گرایی در توصیف‌ها و نقدهای موجود از آنها بازگو شده‌است انتخاب شوند. از این رو از میان بی‌شـمار اثر معماری معاصر ایران، ۱۰ اثر برجسته بر اساس تنوع کاربری و زمان ساخت انتخاب و در این تحقیق مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. این آثار عبارتند از: مقبره بوعلی سـینا، مقبره نادرشـاه، خانه ویلایی معمار، پارک جمشـیدیه *(پاسـبان حضرت، ۱۳۷۴)*، مرکز فرهنگی دزفول، خانه خورشیدی *(آیت–اللهی، ۱۳۸۵)*، اقامتگاه سفیر در سئول، خانه بهشتی، فرهنگستان نگارستان، مصلی تهران.

در تحقیـق حاضر از روش توصیفی– تحلیلی برای جمع‌آوری اسـناد و تحلیل روابط بین متغیرهای میدانی اسـتفاده شده‌اسـت؛ با توجه به میدانـی بودن این تحقیق، از روش جمـع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای برای دسترسی به پیشینه نظری موضوع و از روش جمع‌آوری اطلاعات میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات کالبدی بهره‌گرفته شده‌است *(گروت و وانگ، ۱۳۸۴)*. از این رو، ابتدا با اسـتفاده از روش‌های کتابخانه‌ای مبانی نظری موجود پیرامون اهمیت طبیعت‌گرایی در معماری بررسی و سپس الگوهای طراحی طبیعت‌گرا اسـتخراج شـده و در ادامه با استفاده از روش‌هـای میدانی به تحلیل ویژگی‌هـای نمونه‌های موردی انتخابی پرداخته خواهدشـد. برای تبدیل پارامترهای کیفی به کمی، جدولی از الگوهای استخراج شـده طراحی و در هر یک از نمونه‌های موردی به آزمون گذاشـته شد. پس از آن، نتایج حاصل از محاسبات کمی تحلیل و در انتهـا نتایج کمی و کیفی ارائه می‌شـوند. فرایند انجام تحقیق به صورت خلاصه در شکل ۱ نشان داده شده‌است.

Archive of SID

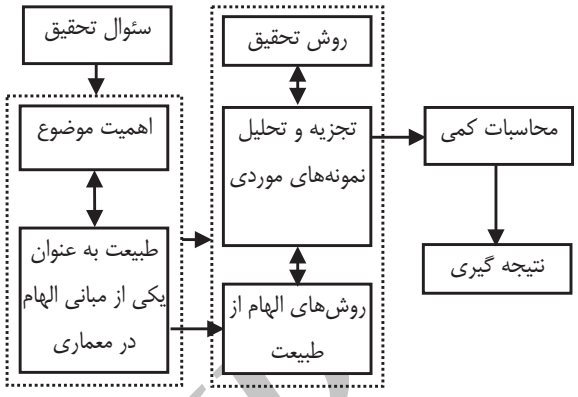

شکل ۱. نمودار فرایند انجام تحقیق

طبیعت به عنوان مبنای الهام در معماری

تأثیر متقابل طبیعت و معماری: ارتباط انسان و طبیعت، از لحظه‌ای که او پای بر کره خاکی نهاد شـکل گرفت و انسـان همواره علاوه بر تأثیرگذاری بر طبیعت، از آن نیز تأثیر پذیرفته‌اسـت. طبیعت همواره به عنوان مجموعه‌ای از الگوهای مناسـب پاسخ بسیاری از سؤالات بشر را داده و قوانیـن خود را به آنان آموخته‌اسـت. تأثیر متقابل معماری و طبیعت را نیز می‌توان لحظه‌ای دانسـت که انسان غار را برای سکونت خود برگزید و یا از شـاخ و برگ درختان و ... فضایی برای پناه خویش سـاخت *(پروتوگزی، ۱۳۸۵، ۳۳)*. از این‌رو از جملـه رویکردهای معماری مبتنی بر طبیعت، الهام از طبیعت است. کیفیت نگاه هنرمند معمار وقتی در مقابل طبیعت قرار می‌گیرد، با دیگران متفاوت است. الهام از طبیعت در بین معماران مختلف نیز متفاوت است. در این بخش سعی شده‌است روش‌هایی را که معماران معاصر برای الهام از طبیعت استفاده نموده‌اند برشمرده شود.

معماران چگونه از طبیعت الهـام می‌گیرند: برخی از معماران با نشـان‌دادن آب در بنا سـعی در طبیعت‌گرایی دارند. «علاقه انسان به آب تا اندازه‌ای می‌باشـد که گاه طراحان با الهام از زیبایی‌های طبیعی و از جمله آبشارها و جویبارها در پارک‌ها، باغ‌ها، منازل و حتی سالن‌ها، گوشه‌هایی از طبیعت را تا حد امکان خلق می‌کنند و آن را در دسترس مردم قـرار می‌دهند» *(ادیبی و همکاران، ۱۳۸۴، ۷۶)*. به‌طور مثال «حرکت آب در پارک جمشـیدیه مهم‌ترین عنصری است که با الهام از اصول باغ‌سـازی ایرانی طراحی شده‌است» (همان، ۷۹). برای شناسایی دیگر منابع الهام معماران از طبیعت «می‌توان به نیاز همیشگی بشر به ارتباط با طبیعت و فضای باز اشاره کرد که خود را در معماری خانه در فضاهای باز (حیاط) و نیمه‌بـاز (ایوان) جلوه‌گر می‌کند» *(محمـودی، ۱۳۸۴، ۵۴)*. حیاط خانه‌های سنتی و قدیمی جلوه‌ای از باغ ایرانی است. در معماری ایرانی، حیاط خانه، یک فضای به غایت معمارانه است که در عین حال دارای ویژگی‌های یک باغ اسـت. در واقع باغی است کوچک به اضافه کارکردهایـی که برای یک زندگی مسـتمر دارد (احمدی، الف ۱۳۸۴، ۶۳). از آنجایی که باغ ایرانی از نمودهای بارز طبیعت به‌شـمار می‌رود، می‌تـوان یکی دیگر از روش‌های الهام از طبیعت را اسـتفاده از حیاط، به ویژه حیاط مرکزی دانسـت. «حیاط مرکزی چون واحه‌ای طبیعی، نور، آب، باد و گیاه را گرد هم آورده و بدین ترتیب در شرایط نامطلوب محیطی، منطقه آسایش برای ساکنان فراهم می‌آورد» *(احمدی، ب ۱۳۸۴، ۱۱۲)*.

یکی دیگر از روش‌های الهام از طبیعت، اسـتفاده از فرم‌های طبیعی اسـت. «نتیجه اسـتفاده از فرم‌هـای طبیعی در طراحـی معماری، دسـتیابی به طرحی عالی‌است که کارایی سازه‌ای، نیازهای عملکردی و زیبایی‌شناسـی در آن با یکدیگر ترکیب شـده‌اند؛ درس‌هایی که از طبیعت آموخته می‌شـوند و به‌طور مناسب به‌کار می‌روند، نه فقط تقلید محـض از آن» *(تقـی‌زاده، ۱۳۸۵، ۷۵)*. «در چند دهـه اخیر دیدگاه‌های معمارانه فراوانی در رابطه با طبیعت به وجود آمده که یکی از مهم‌ترین آنها نگرش‌های سازه‌ایست که در بعضی موارد منجر به خلق آثار بدیع سازه‌ای و حتی سیستم‌های سازه‌ای جدید در معماری شده‌است» *(نوحی و زیبافـر، ۱۳۸۴، ۸۵)*. از این رو یکی دیگر از روش‌های الهام از طبیعت را می‌توان سازه‌های طبیعی دانست. «الگوبرداری از سازه‌های طبیعی در معماری به سه صورت: شکلی، اسـتعاری و از قوانین طبیعت می‌تواند انجام پذیـرد که بهترین حالت ممکن، الگوبـرداری از قوانین طبیعت می‌باشـد» *(شـاهرودی و همکاران، ۱۳۸۶، ۵۱)*. با پیشرفت علم و دستیابی به آرایش ملکولی در ترکیب شـیمیایی مواد، به جستجوی طبیعت در سـطح میکروسکوپی پرداخته شـد. به طور مثال طرح گنبد ژئودزیک باک مینسـتر فولر[۲] که سـازه‌ای پایدار و قوی به شـکل ملکول‌های کربن می‌باشـد *(تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ۷۹)* که پیچیدگی‌های طبیعت در سطح میکروسکوپی را به عنوان یکی دیگر از منابع الهام مطرح می‌کند.

زمانی (۱۳۷۸) درباره نسبت معماری با طبیعت می‌گوید: ۱)معماری در نقطه‌ای از بستر طبیعت جایگزین می‌شود و با آن پیوند می‌یابد. معمار با جهانی از داده‌هـای طبیعی روبه‌رو می‌گردد که بر نظام فضایی اش اثـر می‌گذارند. معماری‌ای که از طبیعـت اطرافش می‌روید، به نوعی بسط طبیعت می‌گردد و در آن وجود انسان پاره‌ای جدانشدنی از پیکره طبیعت در می‌آید تا برگشت به طبیعت را بقبولاند. ۲) گسترش طبیعت در معماری را با به‌کارگیری عناصر طبیعی به عنوان جزئی از سـاختار معماری نیز می‌توان تجربه کرد. از روزگاران دور مصالح طبیعی متنوعی

Archive of SID
www.SID.ir

به‌طور متداول در معماری به‌کار می‌رفته‌اند. ۳) معماری ایرانی، طبیعت را جلوه‌ای از بهشت برین بر کره خاکی دانسته، با الهام از طبیعت به آرایه بناها می‌پردازد که فرم نقوش گیاهی در کاشیکاری‌ها نمونه‌ای از این طبیعت منجمد شده‌است *(زمانی، ۱۳۷۸)*. با توجه به موارد ذکرشده می‌توان بستر، مصالح و تزئینات را به روش‌های الهام از طبیعت افزود. اما علاوه بر بستر، قرارگیری بنا در یک چشم انداز طبیعی و یا دید از بنا به یک چشم انداز طبیعی نیز می‌تواند روشی برای الهام از طبیعت باشد. به‌طور مثال حسین شیخ زین الدین در آثار خود، طبیعت را محدود به وضع توپوگرافی و دید و منظر اطراف می‌نماید. طبیعت در بیرون از بنا به او چشم انداز زیبایی می‌دهد و او در همگامی با طبیعت، ساخته‌اش را روی شیب بالا می‌برد *(حسینی و همکاران، ۱۳۸۷، ۷۳)*. در این روش «معماری طبیعت را در حوزه دید قرار می‌دهد، چه در داخل بنا و چه در خارج آن، بدین طریق طبیعت ضمن تصفیه هوا باعث احساس آرامش می‌شود» *(مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱، ۶۲)*. نمادپردازی طبیعت، یکی دیگر از روش‌های برخورد با طبیعت در بناست که می‌توان رد پای آن را در آثار تعدادی از معماران معاصر ایران دید (همان، ۷۰). «پیام معنوی طبیعت تنها در زیبایی کلی اشکال، حرکات و کلیاتش نیست بلکه در نمادهایی است که بازتاب مستقیمی از صفات الهی گوناگون هستند» *(نصر، ۱۳۷۹، ۲۰۵)*. بعضی از معماران، سازگاری بنا با محیط طبیعی را منشأ الهام خود از طبیعت دانسته‌اند. در تاریخ طبیعی، قانونی عمومی می‌گوید: فقط انواعی قادر به زیستن و ادامه حیات هستند که با محیط خود سازگار شوند و هماهنگی داشته باشند. این واقعیت شناخته شده‌ای است که نیروهای متعدد طبیعی، مصالح و شکل تلفیق یافته با خود را برای هماهنگی و تعالی طلب می‌کنند. «بنابراین جهت استفاده از انرژی‌های طبیعی، هماهنگ نمودن محیط زیست با شرایط اقلیمی حاکم بر آن، اولین قدم محسوب می‌شود و یا به عبارتی شرط لازم برای بهره‌گیری از شرایط طبیعی، هماهنگی و انطباق ساختمان‌ها با شرایط اقلیمی است» *(آیوازیان، ۱۳۷۷، ۸۴)*. از بررسی بالا می‌توان روش‌های الهام از طبیعت را به صورت خلاصه در جدول ۱ دسته‌بندی کرد.

نمونه‌های موردی

به خاطر محدودیت تعداد صفحات مقاله، در این بخش تنها تحلیل ۴ نمونه از ۱۰ نمونه موردی بررسی‌شده ارائه شده‌است و تنها نتایج تحلیل باقی نمونه‌ها در بخش بعد ارائه خواهدشد.

مقبره بوعلی سینا *(طراحی هوشنگ سیحون، همدان، ۱۳۳۱)*

آب: حوض آبی سنگی در امتداد محور ورودی اصلی بنا قرار گرفته است. حوضچه‌های آب و ناودان‌های سنگی و حجیم در گوشه‌های بنا و مسیرهای آب در کف حضور آب در بنا را پر رنگ می‌کنند.

ایوان: ورودی اصلی به شکل رواقی با ستون‌های قطور نیم‌مخروطی

جدول ۱. روش‌های الهام از طبیعت

ردیف	مورد	توضیح
۱	آب	حضور گویای آب در معماری
۲	اقلیم	هماهنگی بنا با شرایط اقلیمی و معماری سبز
۳	ایوان	ایوان، صفه، رواق و ... به عنوان محلی برای نظاره طبیعت
۴	بستر	سازگاری و آمیختگی بنا با محیط طبیعی پیرامون
۵	پیچیدگی‌های طبیعی	استفاده از ساختارهای پیچیده درون طبیعت
۶	تزئینات	استفاده از رنگ‌ها و الگوهای طبیعی و نقوش گیاهی و اسلیمی
۷	چشم انداز طبیعی	بنا در یک چشم‌انداز طبیعی و دید از بنا به یک چشم‌انداز طبیعی
۸	حیاط	استفاده محوری از حیاط مانند حیاط مرکزی، گودال باغچه
۹	سازه‌های طبیعی	سیستم‌های سازه‌ای با الهام از طبیعت
۱۰	فرم‌های طبیعی	شامل خطوط منحنی و غیرقائم
۱۱	مصالح	استفاده از مصالح، همانگونه که در طبیعت است
۱۲	نمادپردازی	به‌کارگیری عناصری به عنوان نمودی از طبیعت و جهان فرادست

Archive of SID
www.SID

در شـــرق بنای آرامگاه قرار گرفته‌اســـت که تنها نقطه ارتباط بصری با بیرون بنا اســـت و دید به حیاط دلنشین روبروی آن را امکان پذیر می کند.

فرم‌هـــای طبیعی: رواق ورودی ســـتون‌هایی نیـــم مخروطی دارد. ســـنگ‌های نما ظاهری طبیعـــی و برجســـتگی‌هایی ارگانیک دارند. جمع‌شدن تدریجی ســـتون‌های پایه برج و شکل مخروطی کلاهک روی آن از خطوط قائمه بیرون رفته‌اند.

مصالح: بنا شـــامل دو بخش اســـت: آرامگاه و بـــرج. بخش آرامگاه، ســـاختمانی تمام‌بسته و پوشـــیده از سنگ خاراســـت. آرامگاه دارای پلکانی تماما ســـنگی بـــا ظاهر و پرداختی طبیعی اســـت که از میان دیوارهایی از همان جنس بالا می‌رود.

نمادپردازی: جمع‌شـــدن تدریجی ســـتون‌های پایه برج و شـــکل مخروطی کلاهک روی آن، اشاره مســـتقیمی به سمت آسمان دارد. مربع پایه و اســـاس این بناســـت و در جای جای پلان و نماها دیده می‌شود. نمای شرقی مجموعه داخل مربعی محاط می‌شود که انسان ایســـتاده با دست‌های گشـــوده را تداعی می کند *(مهندسین مشاور نقش، ۱۳۸۶)*. (شکل ۲و۳)

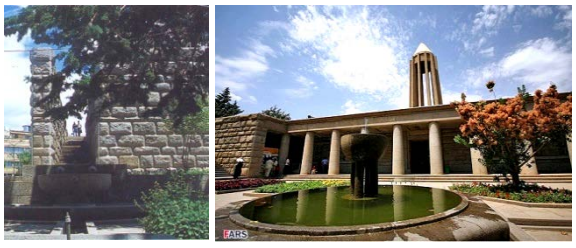

شکل ۲. مقبره بوعلی سینا (Source: Farsnews, 2012)
شکل ۳. مقبره بوعلی سینا (ماخذ: مهندسین مشاور نقش، ۱۳۸۶، ۱۴)

مقبره نادرشاه *(طراحی هوشنگ سیحون، مشهد، ۱۳۳۵)*

آب: در نمای ورودی یک حوضچه با ســـنگ یک‌پارچه خارا ســـاخته شده‌اســـت. حوضچه‌ها، آبریزها و جویبارهـــای متعددی در جای جای طرح قرار گرفته‌اند که همه بر پایه باغ ایرانی طرح شده‌اند.

ایوان: تالار آرامگاه به شکل مربع از دو ضلع بسته و دو ضلع ستون‌دار باز تشـــکیل شده‌است که با ارتفاعی که از زمین دارد رواقی برای نظاره طبیعت پیرامون فراهم می‌کند.

تزئینات: مجســـمه نادر سوار بر اسب و ســـربازانش، طرح ناودان‌ها، طرح‌های برجسته دیوارهای بیرونی و داخلی، و طرح نرده‌های اطراف از جمله تزئینات مجموعه هستند.

سازه‌های طبیعی: ســـقف تالار از قطعه ســـنگ‌های مثلثی بزرگی تشکیل شـــده که با نیروی فشـــاری که به یکدیگر و به تکیه‌گاه‌های سنگی طرفین خود وارد می‌آورند ایستاده‌اند.

فرم‌هـــای طبیعی: برج پایه و مجموع مجســـمه‌ها، حالت پویا حمله را مجســـم می کنند. ســـنگ‌های نما ظاهری طبیعی و برجستگی‌هایی ارگانیک دارند. ترکیب مثلث و مربع در ستون‌های تالار خطوط قائم را به هم زده‌است.

مصالح: تالار آرامگاه به شکل مربع از دو ضلع سنگی بسته و دو ضلع ستون‌دار باز تشکیل شده‌اســـت که ستون‌ها یکپارچه از سنگ هستند. چهار مثلث بزرگ مشرف به ستون‌های داخل تالار از سنگ‌های مرمر نـــازک، نور زرد ملایمی به داخل پخش می کنند. حوضچه‌ها، آبریزها و نقوش برجسته همگی از سنگ تراشیده شده‌اند.

نمادپردازی: این ســـاختمان بر اساس دو شکل اصلی هندسی، یعنی مربع و مثلث، طراحی شده‌اســـت. تالار آرامـــگاه دارای دو ضلع قرمز رنگ ســـنگی اســـت که رنگ قرمز دو دیوار به مفهوم جنگ اســـت. برجســـتگی‌های با ابعاد متفاوت، نبردهای مختلف نادر را نشان می‌دهد *(بانی‌مسعود، ۱۳۸۸)*. (شکل ۴)

شکل ۴. مقبره نادرشاه (ماخذ: بانی‌مسعود، ۱۳۸۳)

مرکز فرهنگی دزفول *(طراحی فرهاد احمدی، دزفول، ۱۳۶۶)*

آب: حرکت پیوســـته آب را می‌توان در دو سطح افقی (حرکت آب از حیاطی به حیاطی دیگر) و عمودی (حرکت آب از مخروط شیشه‌ای به حوضچه زیر آن) در محور و مرکز فضاها مشاهده کرد.

بستر: نحوه برخورد با بســـتر، درون خاک رفتن یا بر فراز آن بودن و به‌کارگیری عناصر طبیعت چون نور و آسمان قابل توجه است.

تزئینات: فرش کف بخش‌هایی از مجموعه از سنگ‌های رودخانه‌ای که در اندازه‌ها و طرح‌های متنوع در ملات خود چیده شـــده‌اند و چون تابلویی زیبا در کف خودنمایی می کنند، ساخته شده‌است.

حیاط: بنا چند حیاط با تناســـباتی دلنشـــین دارد. حیاط هشت ضلعی، مرکزی برای مجموعه به وجود آورده که در دو تراز توســـط غرفه‌هایی که به آن رو کرده‌اند در بر گرفته شده‌است.

Archive of SID
www.SID.ir

ســـازه‌های طبیعی: از قوس‌های باربر برای پوشـــش دهانه‌ها و از سازه‌های پارچه‌ای برای ایجاد رواق استفاده شده‌است.

فرم‌های طبیعی: فرم‌های نیم دایره در قوس‌ها، تاق‌ها، مناره و گنبد آن وجود دارد و مسیر ارگانیک آب در کف‌ها قابل توجه است.

مصالح: آجر مصالح غالب استفاده شده در مجموعه است. سنگ نیز در اندازه‌ها و شکل‌های گوناگون در فرش کف مجموعه و آب‌نماها به‌کار رفته‌است. (شکل ۵)

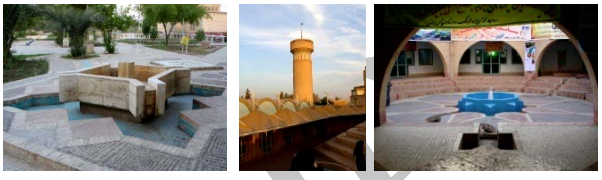

شکل ۵. مرکز فرهنگی دزفول

فرهنگستان نگارستان *(طراحی بهروز احمدی، تهران، ۱۳۷۷)*

آب: دسترسی به جلوخان فرونشسته فرهنگسرا از طریق پلکانی میسر می‌شود که مسیر آبی در محور آن چشم را به سمت ورودی اصلی حرکت می‌دهد.

اقلیم: ســـاختمان اصلی فرهنگسرا کاملا در دل زمین فرو برده شده‌است که این باعث بهره‌گیری از انرژی زمین گرمایی و تبادل حرارتی اندک بنا با محیط بیرون می‌شود.

بستر: با فرو بردن بنا به داخل زمین، طراح در برابر بناهای تاریخی پیرامون خود تواضع نشـــان می‌دهد، در عین حال، طراحی حجم و نمای بیرونی به سازماندهی فضای باز تغییر می‌کند.

چشـــم‌انداز طبیعی: طراح در آرایش اجزا در محوطـــه خود را مقید به بناهای موجود نشان می‌دهد. سطح وسیعی از میانه فضای باز توسط درختان کهنسال احاطه شده و به مثابه میدانی در جلوی بنای مجاور دیده می‌شود.

فرم‌های طبیعی: در هندسه سقف سرسرای ورودی از خطوط منحنی و شبیه کاربندی بهره‌گیری شده‌است.

مصالح: انتخاب مصالحی چون سنگ و چوب و آجر و ترکیب دلپذیر آنها در طرح فضاهای داخلی چشمگیر است. سطح وسیعی از فضای باز سنگ فرش شده‌است.

نمادپردازی: حضور آب در ورودی‌ها و سرســـرای میانی، عناصر طبیعی را یادآور می‌شود. ردیف نورگیر راستای شمالی جنوبی نور دلنشینی را برای فضای داخلی تأمین می‌کند. (شکل ۶ و ۷)

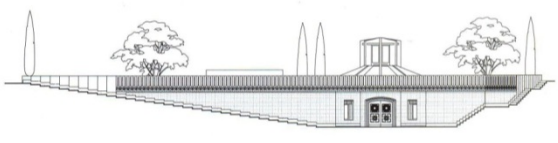

شکل ۶. برش مسیر ورودی فرهنگستان (مأخذ: مهندسین مشاور نقش، ۱۳۸۶)

شکل ۷. فرهنگستان نگارستان (مأخذ: مهندسین مشاور نقش، ۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

با توجه به بررســـی انجام شـــده و نتایج کمی به‌دست آمده در جداول ۲ و ۳ و با در نظر گرفتن اهداف تحقیق، نکات زیر را می‌توان متذکر شـــد. ۹۰ درصد نمونه‌ها از مصالح، همان‌گونه که در طبیعت است، مانند انواع سنگ و چوب استفاده کرده‌اند که اهمیت و کثرت استفاده از آن را نشان می‌دهد. آب در دوره‌های تاریخی سرزمین ما همواره مورد احترام و نماد پاکی و طراوت و حرکت و زندگی بوده‌است. شاید حضور گویای آب در آثار معماری معاصر (فراوانی ۹۰ درصد) به دلیل همین ســـابقه دیرینه‌ای باشد که این عنصر حیات بخش در فرهنگ ما دارد. فراوانی ۹۰ درصدی اســـتفاده از الگوی فرم‌های طبیعی در نمونه‌ها، می‌تواند نشانه‌ای از عدم غلبه تفکری باشد که در دوره‌ای از معماری مدرن در غرب با عنوان سبک بین‌الملل (۳) ترویج شـــد و استفاده از فرم‌های طبیعی و خطوط منحنی و غیرقائمه را مطرود می‌دانســـت. فراوانی ۳۰ درصد برای بهره‌گیری از الگـــوی اقلیم در آثار معماری معاصر می‌تواند نقطه توجهی باشـــد برای طراحان، که با وجودی که مساله هماهنگی بنا با شرایط اقلیمی و معماری ســـبز در دهه‌های اخیر همواره از سوی جامعه علمی گوشزد شده‌است، اما هنوز ایده اصلی طراحی قرار نگرفته‌اســـت. به‌طور کلی می‌توان آب، فرم‌های طبیعی، مصالح، تزئینات و حیاط را الگوهایی دانست که به‌طور مؤثر در طراحی طبیعت‌گرا در معماری معاصر ایران نقش داشـــته‌اند. از طرفی محاسبات کمی نشان می‌دهند که استفاده از سازه‌های طبیعی که همانگونه که در آغاز تحقیق اشاره شد در چند دهه اخیر بسیار مورد اقبال معماران قرار گرفته‌است، در آثار معماری ما جایگاهی نداشته و نمونه‌های بســـیار کمی را می‌توان در آثار برجسته معماری معاصر جست که از این الگو استفاده کرده باشند. (شکل ۸)

مرکز فرهنگـــی دزفول، طراحی فرهاد احمدی اثری اســـت که تلاش بیشتری برای توجه به طبیعت، با توجه به معیارهای تحقیق حاضر، انجام داده‌اســـت. فراوانـــی ۴۲ درصد و بالاتر برای همه نمونه‌های بررســـی شده در تحقیق گویای این نکته است که طبیعت‌گرایی همواره در روند طراحی معماران معاصر مورد توجه بوده‌اســـت؛ اما از طرفی دیگر اینکه فراوانی بالای ۶۷ درصد برای نمونه‌های موردی وجود ندارد بیانگر عدم تلاش معماران معاصر برای خلق آثاری است که طبیعت، همه جانبه، در

Archive of SID
www.SID

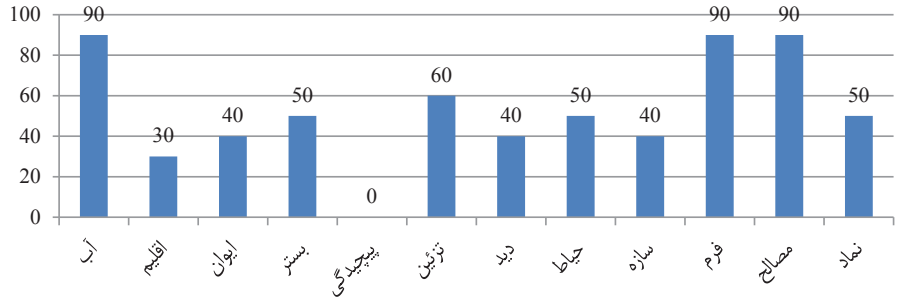

شکل ۸. درصد بهره‌گیری از روش‌های الهام از طبیعت

جدول ۲. کدگذاری نمونه‌های موردی تحلیل شده

ردیف	نام بنا	طراح	سال ساخت	کد	فراوانی (٪)
۱	مقبره بوعلی سینا	ه. سیحون	۱۳۳۱	۱و۳و۱۰و۱۱و۱۲	۴۱
۲	مقبره نادرشاه	ه. سیحون	۱۳۳۵	۱و۳و۶و۹و۱۰و۱۱و۱۲	۵۸
۳	خانه ویلایی معمار	ه. سیحون	۱۳۵۳	۲و۴و۶و۷و۹و۱۰و۱۱	۵۸
۴	پارک جمشیدیه	غ. پاسبان حضرت	۱۳۵۷	۱و۴و۶و۷و۹و۱۰و۱۱	۵۸
۵	مرکز فرهنگی دزفول	ف. احمدی	۱۳۶۶	۱و۴و۶و۸و۹و۱۰و۱۱و۱۲	۶۷
۶	خانه خورشیدی	م.ح. آیت اللهی	۱۳۷۹	۱و۲و۶و۸و۱۰و۱۱	۵۰
۷	اقامتگاه سفیر در سئول	ف. احمدی	۱۳۸۲	۱و۳و۸و۱۱و۱۲	۴۱
۸	خانه بهشتی	س. صابری	۱۳۸۴	۱و۴و۷و۸و۱۰و۱۱	۵۰
۹	فرهنگستان نگارستان	ب. احمدی	۱۳۷۷	۱و۲و۴و۷و۱۰و۱۱و۱۲	۵۸
۱۰	مصلی تهران	پ. مویدعهد	۱۳۶۷ تا کنون	۱و۳و۶و۸و۱۰	۴۱

جدول ۳. محاسبات کمی

	آب	اقلیم	ایوان	بستر	پیچیدگی	تزئین	دید	حیاط	سازه	فرم	مصالح	نماد
مقبره بوعلی سینا	*	–	*	–	–	–	–	–	–	*	*	*
مقبره نادرشاه	*	–	*	–	–	*	–	–	*	*	*	*
خانه ویلایی معمار	–	*	–	*	–	*	*	–	*	*	*	–
پارک جمشیدیه	*	–	–	*	–	*	*	–	*	*	*	–
مرکز فرهنگی دزفول	*	–	–	*	–	*	–	*	*	*	*	*
خانه خورشیدی	*	*	–	–	–	*	–	*	–	*	*	–
اقامتگاه سفیر در سئول	*	–	*	–	–	–	–	*	–		*	*
خانه بهشتی	*	–	–	*	–	–	*	*	–	*	*	–
فرهنگستان نگارستان	*	*	–	*	–	–	*	–	–	*	*	*
مصلی تهران	*	–	*	–	–	*	–	*	–	*	–	–
فراوانی (٪)	۹۰	۳۰	۴۰	۵۰	۰	۶۰	۴۰	۵۰	۴۰	۹۰	۹۰	۵۰

Archive of SID

www.SID.ir

آنها حضور و بروز داشته باشد.

در مجموع می‌توان گفت استفاده از مصالح نقش بسیار مهمی در ارتباط میان آثار معماری و طبیعت ایفا می‌کند. پس از این مفهوم می‌توان به عنصر آب و بهره‌گیری از فرم‌های طبیعی اشاره کرد که به شیوه معناداری رابطه میان فرم‌های معماری و طبیعت را برقرار می‌سازد. به نظر می‌رسد مفهوم تزئین و بهره‌گیری از عناصر طبیعی یا الگوهای آن در تزئینات نقش بسیار مهمی در ایجاد ارتباط طبیعت با معماری معاصر داشته‌باشد. دستاوردهای پژوهش نشان‌دهنده آن است که طبیعت به صورت کلی تأثیر قابل توجهی بر معماری معاصر ایران داشته‌است. موضوعی که در بناهای شاخص و نمونه‌های انتخاب‌شده از اهمیت بیشتری برخوردار است.

پی نوشت‌ها

1. Claude Monet
2. Richard Buckminster Fuller
3. International Style

فهرست مراجع

۱. احمدی، بهرام. (الف ۱۳۸۴). حیاط و باغچه در خانه‌های سنتی یزد. *فرهنگ یزد*، (۲۵)، ۶۳-۶۹.

۲. احمدی، فرهاد. (ب ۱۳۸۴). شهر- خانه حیاط مرکزی (شهر- خانه پایدار، شهر- خانه آئینی). *صفه*، (۴۱)، ۹۰-۱۱۳.

۳. احمدی، فرهاد. (۱۳۸۷). دو پروژه از فرهاد احمدی. *معمار*، (۴۸)، ۸۴-۸۹.

۴. ادیبی، اصغر؛ منعام، علیرضا؛ و قاضی‌زاده، سیده ندا. (۱۳۸۴). جایگاه آب و آبنما در پارک‌های شهری. *هنرهای زیبا*، (۲۲)، ۷۳-۸۲.

۵. انصاری، مجتبی؛ محمودی‌نژاد، هادی. (۱۳۸۶). باغ ایرانی تمثیلی از بهشت. *هنرهای زیبا*، (۲۹)، ۳۹-۴۸.

۶. آیت‌اللهی، محمدحسین. (۱۳۸۵). ارزیابی پنج ساله کارایی خانه خورشیدی. *صفه*، (۴۳)، ۷۲-۹۱.

۷. آیوازیان، سیمون. (۱۳۷۷). بهره گیری از روش‌های معماری سنتی در صرفه جویی انرژی. *هنرهای زیبا*، (۳)، ۸۴-۸۹.

۸. بانی‌مسعود، امیر. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته). تهران: هنر معماری قرن.

۹. بانی‌مسعود، امیر. (۱۳۸۳). بناهای یادمانی هوشنگ سیحون. *معمار*، (۲۸)، ۱۴۶-۱۵۲.

۱۰. پاسبان حضرت، غلامرضا. (۱۳۷۴). پارک جمشیدیه. *آبادی*، (۱۷)، ۸۴-۸۷.

۱۱. پروتوگزی، پائولو. (۱۳۸۵). تأثیر طبیعت در فضا، (ژاله اسرا، مترجم). *معماری و فرهنگ*، (۲۷)، ۳۳-۳۵.

۱۲. تقی‌زاده، کتایون. (۱۳۸۵). آموزه‌هایی از سازه‌های طبیعی، درس‌هایی برای معماران. *هنرهای زیبا*، (۲۸)، ۷۵-۸۴.

۱۳. حسینی، سیدباقر؛ یزدانفر، سیدعباس؛ و ابوالقاسم‌حسینی، سمیه‌سادات. (۱۳۸۷). نمادگرایی در اندیشه متفکران اسلامی و بازتاب آن در آثار معماران معاصر ایران. *آبادی*، (۵۸)، ۶۸-۷۵.

۱۴. زمانی، پگاه. (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر حضور طبیعت در معماری. مجموعه مقالات معماری. *دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران* (۲۹-۲۵ فروردین ۱۳۷۸). (ص ۴۵۷-۴۶۵). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۵. شاهرودی، عباس‌علی؛ گلابچی، محمود؛ و اربابیان، همایون. (۱۳۸۶). بهره گیری از طبیعت برای آموزش مؤثر درس ایستایی در رشته معماری در ایران. *هنرهای زیبا*، (۳۱)، ۴۷-۵۶.

۱۶. ضرغام، ادهم. (۱۳۸۷). تجلی حقیقت طبیعت در فرایند منظره‌پردازی. *هنرهای زیبا*، (۳۵)، ۱۰۳-۱۱۴.

۱۷. گروت، لیندا؛ و وانگ، دیوید. (۱۳۸۴). *روش تحقیق در معماری*. (علیرضا عینی‌فر، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.

۱۸. محمودی، عبدالله. (۱۳۸۴). بازنگری اهمیت ایوان در خانه‌های سنتی. *هنرهای زیبا*، (۲۲)، ۵۳-۶۲.

۱۹. منصوری، سیما. (۱۳۸۸). باغ‌های چهارگانه، ترجمان باورهای مقدس. *صفه*، (۴۸)، ۱۷-۳۰.

۲۰. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۱). هنر اسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید. *هنرهای زیبا*، (۱۲)، ۲۳-۳۲.

۲۱. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۳). حکمت هنر اسلامی. *هنرهای زیبا*، (۱۹)، ۵۷-۶۶.

۲۲. مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ سیروس صبری، رضا؛ دماوندی، مجیدابراهیم؛ و عباس‌پور اسداله، جوانه. (۱۳۹۱). طراحی معماری با تکیه بر تعامل زیبایی و عملکرد در طبیعت. *هویت شهر*، (۱۰)، ۵۹-۶۶.

۲۳. مهندسین مشاور نقش. (۱۳۸۶). *نقد آثاری از معماری معاصر ایران*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۴. نصر، سیدحسین. (۱۳۷۹). *انسان و طبیعت، بحران معنوی انسان متجدد*. (عبدالکریم گواهی، مترجم)، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.

۲۵. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۴). *دین و نظام طبیعت*. (محمدحسین فغفوری، مترجم). تهران: انتشارات حکمت.

۲۶. نوحی، سیدحمید؛ و زیبافر، جواد. (۱۳۸۴). *اصول سازه‌ای طبیعت*. آبادی، (۱۵)، ۸۴-۸۷.

۲۷. هاشم‌نژاد، هاشم؛ فیضی، محسن؛ و صدیق، مرتضی. (۱۳۸۹). طبیعت‌گرایی در مکتب ذن و تفکر ایرانی-اسلامی با تأکید بر باغ و باغسازی. *معماری و فرهنگ*، (۳۹)، ۱۰۵-۱۱۴.

28. Farsnews. (2012). Retrieved April, 2012, from http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911106000103

Archive of SID
www.SID